

امکان سنجی شکل گیری اقلیم کردی

در شمال سوریه

اسکندر مرادی^۱ ضیاءالدین صبوری^{۲*} شیلان خاکی^۳ عبدالمطلب جوانمردی^۴

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۹/۱۴ تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۱۲/۱۸

چکیده

خاورمیانه‌ای که در سال ۱۹۱۶ میلادی براساس معاهده "سایکس-پیکو" تشکیل شد؛ در شرایطی وارد هزاره سوم میلادی می‌شود که هنوز هم مانند جزیره‌ای توسعه نیافته و ناامن در جهان باقی مانده است. در این میان، اکراد به عنوان بزرگترین ملت بدون دولت جهان، همواره هم تأثیرگذار و هم تأثیرپذیر از این بحران‌ها بوده‌اند. وقوع بهار عربی باعث ایجاد شرایط جدیدی شده است که کردها را نیز وارد دوران جدیدی از زندگی سیاسی و اقتصادی کرده است. این شرایط جدید ضرورت انجام پژوهش‌هایی مستقل و علمی در باب جایگاه اکراد در ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه را بیش از پیش پر اهمیت کرده است. در این پژوهش که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به رشته تحریر درآمده و روش گردآوری داده‌های آن بصورت کتابخانه‌ای است؛ با استفاده از رویکرد سازه انگاری، به دنبال اثبات این فرضیه هستیم که علی‌رغم تشکیل کانتون سه‌گانه (جزیره، عفرین و کوبانی) و با توجه به موانع ساختاری داخلی و خارجی و نقش مؤثر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، تشکیل اقلیم کردی در سوریه در وضعیت کنونی مبهم است اما در عین حال بازگشت به وضعیت قبل از ۲۰۱۰م هم غیرممکن است.

واژگان کلیدی: اقلیم کردی، سوریه، سازه انگاری، خاورمیانه، کردها

۲۲۱

سیاست جهانی

۱- دانش آموخته جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، ایران

۲- پژوهشگر روابط بین الملل، دبیر انجمن ایرانی روابط بین الملل، تهران، ایران

۳- پژوهشگر مطالعات منطقه‌ای، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد واحد سنندج، ایران

۴- کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی تهران، ایران

* نویسنده مسؤل ziasabouri@gmail.com

مقدمه

خاورمیانه منطقه ای است که با وجود تمام امتیازات، همواره محیطی پرتنش و محل درگیری و ناآرامی های ناشی از اختلافات قومی - مذهبی و یا کشاکش بر سر به دست آوردن منافع اقتصادی، سیاسی و... قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای بوده است. از سوی دیگر، نفوذ و رشد عقاید، باور و ایدئولوژی های متحجرانه، تندرو، رادیکال و به ظاهر اسلامی در میان افراطیون منطقه، زمینه رشد فعالیت های تروریستی و ضد بشری را فراهم کرده است. در این بین، بروز تحولات سریع سال های اخیر در کشورهای اسلامی منطقه، به ویژه کشورهای: تونس، مصر، لیبی، یمن و جنگ داخلی سوریه بار دیگر خاورمیانه را وارد مرحله جدیدی از رقابت های ژئوپلیتیکی بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای، کرده است. سوریه یکی از کشورهای است که در منطقه ی خاورمیانه اهمیت ویژه ای دارد طی چند سال اخیر، با شکل گیری بحران سیاسی در این کشور، بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای مختلفی در آن حضور یافته و ایفای نقش کرده اند که هر یک بر اساس منافع و علایق خود، جهت گیری خاصی را در رابطه با این بحران اتخاذ نموده اند. گذرگاهی بودن سوریه در نقطه ی اتصال سه قاره ی آسیا، اروپا و آفریقا، این کشور را در معرض رقابت های سرنوشت ساز ژئوپلیتیکی قرار داده است.

پس از آغاز جنگ داخلی سوریه رابطه کردهای سوریه با اسد وارد مرحله جدیدی شد. با آغاز بحران داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱ میلادی کردها که دل خوشی از سیاست های دولت اسد نداشتند در جایگاه مخالف دولت حاضر شدند و حتی علیه دولت در تظاهرات شرکت کردند. اما رفته رفته که اقدامات اسلام گرایان تندرو علیه رژیم حالت خشونت آمیز و مسلحانه گرفت، کردها با این مسئله مخالفت کردند و تنها راه حل کاربردی را گفت و گو دانستند. سؤالی که این روزها ذهن بسیاری از کارشناسان خاورمیانه و افکار عمومی را به خود مشغول کرده این است که اکنون که تشکیل کانتون سه گانه یا دولت های وابسته به پ.ک.ک در سه منطقه کردنشین سوریه یکی از مهمترین اتفاقات سیاسی و میدانی سوریه است، آیا طرح تجزیه

سوریه و تبدیل آن به یک جامعه سکولار چندنژادی همراه با استقرار ایالت های کرد، شیعه علوی، سنی و دروزی صورت خواهد گرفت؟

باتوجه به چالش ها و موانع ساختاری داخلی و خارجی موجود و نیز نقش تأثیرگذار بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای در بحران سوریه، آیا تشکیل اقلیم کردی در این کشور ممکن خواهد بود؟

همچنین با در نظر گرفتن منابع طبیعی غنی در کردستان سوریه آیا این مناطق پتانسیل تشکیل اقلیم مستقل را دارد؟ در پاسخ به این طیف از سوالات می توان گفت: تاکنون درباره ای احتمال تشکیل حکومت اتونومی دموکراتیک در کردستان سوریه موضع بین المللی مشخصی ابراز نگردیده و باید این نکته را هم به یاد داشت که کردستان سوریه تنها حزب اتحاد دموکراتیک نیست و احزاب و گروه های دیگری نیز حضور دارند و اکنون مجموعه قوانین خودگردانی کردستان سوریه فاقد اجماع سیاسی احزاب و کردها در سوریه است که تاکنون (۲۱۰۵ میلادی) توسط پارتهی دیگر حزب پرنفوذ کردستان غربی مورد تأیید و موافقت قرار نگرفته است و موانع و چالش های منطقه ای و فرامنطقه ای زیادی بر سر راه وجود دارد. البته با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی کشور سوریه و دیدگاه بین المللی و موانع منطقه ای و فرامنطقه ای به نظر نمی رسد که کردهای سوریه خواستار استقلال کامل خود از سوریه و تشکیل یک کشور مستقل باشند بلکه بیشتر ترجیح می دهند در قالب یک کشور به صورت فدرال زندگی کرده و امور داخلی خود را در دست داشته باشند.

این در حالی است که ترکیه با دارا بودن بیشترین تعداد کردهای منطقه از این ایده به هیچ وجه خشنود نیست و نگرانی آنرا دارد که هرگونه خودمختاری در بین کردهای سوریه بر روی کردهای ترکیه تأثیرگذار بوده و مشکلات امنیتی برای ترکیه ایجاد کند. (ارگیل، کردپرس ۲۰۱۵)

این در حالی است که وضعیت به وجود آمده در مناطق کردنشین سوریه ایجاب می کرد اوضاع این منطقه از نو سازماندهی شود و به امور مردم، ارائه خدمات و سازماندهی روابط اجتماعی رسیدگی گردد، به ویژه آنکه ساکنان مناطق مذکور از

نظر قومیتی، مذهبی و فرقه‌ای با یکدیگر متفاوت هستند، جایی که در کنار کردها، عرب‌ها، آشوری‌ها، کلدانی‌ها، ارمنی‌ها، سریانی‌ها، چچنی‌ها، ترکمن‌ها، ایزدی‌ها و غیره در این مناطق زندگی می‌کنند.

بطور کلی از نظر طرفداران پروژه اداره خودمختار یا استقلال کانتون سه‌گانه در مناطق کردنشین سوریه، اوضاع این مناطق به گونه‌ای است که نیاز شدیدی به برگزاری نشست جامع برای سازماندهی و مدیریت آن‌ها تا زمان پایان بحران کنونی سوریه وجود دارد، هنگام پایان این بحران نیز، می‌بایست ماهیت روابط با دولت مرکزی این کشور از نو مشخص شود. این در حالی است که مبهم بودن هدف سیاسی از اعلام اداره خودمختار در مناطق کردنشین سوریه نیز به نوبه خود بحث و جدل در این باره را بیشتر کرده، چرا که برخی‌ها بر این باورند که هدف نهایی از این اقدام همان جدایی و تشکیل اقلیم کردستان سوریه همانند اقلیم کردستان عراق می‌باشد و در سوی مقابل، باور برخی دیگر بر این است که این اقدام از چارچوب سناریوی مورد توافق «حزب اتحادیه دموکراتیک کردستان» و نظام حاکم در سوریه خارج نبوده و هدف از آن، مدیریت این مناطق از نظر خدمت‌رسانی و اداری تا پایان بحران کنونی سوریه می‌باشد (PUK media, 2013).

مسیر آینده سوریه، چه با ابقاء بشار اسد چه با سقوط وی، در مسیری پیش می‌رود که اگر در میان مدت منجر به ایجاد پدیده اقلیم کردی سوریه هم نشود، دست کم این ضمانت را با خود به همراه دارد که وضعیت کردهای سوریه هیچ‌گاه به ایستگاه‌های سالیان قبل باز نخواهد گشت و یقیناً می‌توان گفت حتی اگر نظام بشار اسد پایدار بماند و بر همه مشکلات سیاسی، امنیتی خود غالب شود، قطعاً وضعیت کردها به دوران پیش از سال ۲۰۱۰م بازمی‌گردد و موقعیت آنان در سوریه با تغییرات مثبتی روبرو خواهد شد.

۱. روش تحقیق

روش انجام این تحقیق با توجه به ماهیت نظری آن توصیفی-تحلیلی است، که ضمن بهره‌گیری از رهیافت سازه‌انگاری و اهمیت موضوع مورد مطالعه در به روز

بودن موضوع و هم‌زمانی آن با تحولات اخیر خاورمیانه، جهت گردآوری داده‌ها علاوه بر تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، از منابع اینترنتی نیز استفاده شده است.

۲. چارچوب نظری: سازه‌انگاری

منظور از چارچوب نظری همان نوع نگاه محقق به مساله تحقیق است که باعث تمرکز فکری پژوهشگر و حرکت وی در مسیر یک نظریه و پرهیز از کلی‌گویی و پراکنده‌گویی می‌باشد. در واقع، هیچ کس جهان را همانگونه که هست تصور نمی‌کند، همه ما از پس پرده نظریه‌ها، پیش فرض‌ها و فرضیات به جهان می‌نگریم. از این منظر، مشاهده و تفسیر جدایی‌ناپذیرند، ما همزمان که به جهان نگاه می‌کنیم، درگیر معنی‌بخشی به آن می‌شویم. دلیل اهمیت نظریه نیز همین است که به واقعیت پراکنده بی‌شکل و مغشوش، شکل و ساختار و چارچوب می‌دهد (Heywood, 2011) در این پژوهش تلاش می‌شود در قالب چارچوب «نظریه سازه‌انگاری» به بررسی چالش‌ها و موانع ساختاری بر سر راه تشکیل اقلیم کردی در شمال سوریه پرداخته شود.

دلیل انتخاب نظریه سازه‌انگاری در تبیین امکان‌سنجی اقلیم کردی این است که نظریه‌های اصلی سیاست بین‌الملل (رئالیسم، لیبرالیسم) از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی با ارائه فزآیند دیدگاه‌های انتقادی به چالش کشیده شده‌اند. در این میان، سازه‌انگاری به عنوان نافذترین رهیافت و رویکرد در میان رهیافت‌های پسااثبات‌گرایانه به نظریه بین‌الملل پس از پایان جنگ سرد توجه بیشتری را به خود معطوف کرده است. همچنین نظریه‌های بازتاب‌گرایانه در روابط بین‌الملل (نظریات هنجاری، فمینیستی و پست مدرنیستی) در تبیین سیاست بین‌الملل چندان توفیق چشمگیری نداشته است، چرا که بخشی‌نگری آنها و تأکیدشان بر مسائلی خاص مانند: هنجارها در نظریه هنجاری، جنسیت در نظریات فمینیستی، قدرت و بنیان دانش در تئوری‌های پست مدرنیستی سبب می‌گردد که نتوان از آنها یک نظریه سیاست خارجی مطلوب و کاربردی استخراج نمود (Hoof, 1998). سازه‌انگاری نافذترین رهیافت پسااثبات‌گرایانه به نظریه بین‌الملل بوده که از پایان جنگ سرد توجه بیشتری را به خود

معطوف کرده است. این رهیافت معتقد است که هیچ واقعیت عینی اجتماعی یا سیاسی مستقل از درک ما از آن (واقعیت) وجود ندارد.

بنابراین سازه‌انگاران، جهان اجتماعی به مثابه دنیایی متشکل از اجزا و اشیاء انضمامی که جایی در آن بیرون وجود دارند را رد می‌کنند و در عوض وجود جهان اجتماعی را تنها به صورت آگاهی بین‌الذهانی درونی بین انسان‌ها می‌پذیرند. در تحلیل نهایی، مردم چه به صورت فردی و چه در قالب گروه‌های اجتماعی، جهانی که در آن زندگی می‌کنند، را برمی‌سازند و بر اساس این برساخته‌ها عمل می‌نمایند. عقاید و پیش‌فرض‌های مردم وقتی به اشتراک فراگیر گذاشته می‌شوند اهمیت ویژه‌ای می‌یابند، به‌ویژه موقعی که برای ایجاد حس هویت یا منافع متمایز در میان افراد یا اجتماع استفاده می‌گردند. به این ترتیب، تحلیل‌های سازه‌انگاران بر بعد مفقوده مباحثه ساختار کارگزار در سیاست جهانی تاکید می‌کنند (Gunter, 1993) به عبارت دیگر می‌توان گفت که سازه‌انگاری بین رهیافت‌های درون-به-برون و برون-به-درون قرار می‌گیرد، زیرا بر این باور است که عوامل فکری و معنایی (عقاید، ارزش‌ها، نظریه‌ها و پیش‌فرض‌ها) همواره به مثابه واسطه‌ای میان تعاملات ساختار و کارگزار عمل می‌کنند. این عوامل معنایی هم بر چگونگی تلقی کارگزارها از خودشان و هم بر چگونگی فهم و پاسخ دادن شان به ساختارهایی که در آنها عمل می‌کنند، اثر گذارند. به هر حال این خود به آن معناست که سازه‌انگاری بیشتر ابزاری تحلیلی و رهیافتی برای فهم و ادراک است تا نظریه یا مجموعه‌ای از نظریات بنیادی و مستقل (Heywood, 2011). همان‌طور که ذکر شد سازه‌انگاری به عنوان یکی از رویکردهای نظریه عام انتقادی مفروضه‌های هستی‌شناختی خردگرایی در مورد روابط بین‌الملل و سیاست‌های خارجی را به چالش می‌طلبد و اصول و گزاره‌های متفاوت دیگری را ارائه می‌دهد. این نظریه تصور کشورها را به صورت کنش‌گران ذره‌ای خودپرست که منافعشان پیش از تعامل اجتماعی بین‌المللی شکل گرفته آنها صرفاً به منظور تأمین اهداف راهبردی وارد روابط بین‌الملل می‌شوند نمی‌پذیرد. سازه‌انگاری از طریق رهیافت سیاست هویت تلاش می‌کند چگونگی نقش و تأثیر

اجتماعات بین‌الذهانی مانند: ناسیونالیسم، قومیت، جنسیت و نژاد در سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی را توضیح دهد.

سازمان‌نگاری اگرچه به انواع مختلفی تقسیم می‌شود ولی همه اشکال آن در سه گزاره و مفروضه هستی‌شناختی مشترک هستند. ساختارهای هنجاری و ایده‌ها، هنجارها و ارزش‌های بین‌الذهانی مشترک تأثیر و نقش مهمی در سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها ایفاء می‌کنند، ساختارهای فکری و هنجاری نقش تأسیسی و تکوینی در شکل‌دهی به هویت و منافع کشورها دارد، ساختارهای فکری هنجاری و کشورها متقابلاً یکدیگر را قوام می‌بخشند. (دهقانی فیروز آبادی، ۲۰۰۹: ۴۵)

۱-۲. انطباق چارچوب نظری با موضوع پژوهش

کردها با زبان، هویت و اندیشه مشترک به طور عمده در چهار کشور: ترکیه، ایران، عراق، سوریه و مناطقی از ارمنستان و آذربایجان پراکنده هستند و از دیرباز خود را قومی مجزا و بی‌نیاز از ادغام در هویت‌های غالب می‌دانستند. برخی از افراد خواهان استقلال و تشکیل کشوری بر مبنای هویت کردی بودند این خواسته باعث شد تا هویت‌های غالب به ویژه در ترکیه، عراق و سوریه در صدد سرکوب آنها برآیند و مخالفت آنها با هویت‌های غالب به کشورهای دیگر این امکان را دارد که از آنها برای اعمال فشار به طرف مقابل استفاده کنند (شیخ عطار، ۲۰۰۹: ۱۰۶) به این نکته باید توجه داشت که مسأله کرد در کشورهای مصنوع سوریه و عراق و حتی در ترکیه قابل مقایسه با مسأله کرد در ایران نیست زیرا کردها در ایران در تحول و شکل‌گیری اندیشه دولت مشارکت داشته‌اند و هویت ایرانی و آریایی به همان اندازه هویت کردی خود حائز اهمیت می‌دانند و هویت کردی خود بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت کلان ایرانی است.

تغییر و تحولات جدید فضای سیاسی خاورمیانه به ویژه از سال ۲۰۱۰ میلادی به بعد، فرصتی را برای کردها به وجود آورده است تا نسبت به عملیاتی کردن اهداف خود امیدوار باشند. این ژئوپولیتیک جدید، هویت‌خواهی کردها را از طریق ایجاد یک دولت فدرال و نه مستقل به یک واقعیت تبدیل می‌کند.

دولت فدرال مدلی است که قدرت‌های بزرگ از آن برای تثبیت برتری کردها در مناطق قومی و سیاسی خاورمیانه بهره‌برده‌اند و با توجه به مدل اقلیم کردستان عراق جواب نیز داده است. چنین مدلی کمتر حساسیت‌زا بوده و می‌تواند بیشتر آنان را به اهداف خود نزدیک سازد. بهار عربی در منطقه خاورمیانه برای کردها فرصت‌ساز بوده است. قدرت‌گیری کردها، هر چند مخالفین جدی منطقه‌ای را نیز در پشت سر خود دارد، اما این محدودیت‌های منطقه‌ای و ساختاری بین‌المللی تعیین‌کننده نیستند و نمی‌توانند نسبت به دستیابی هویت‌خواهی کردها مانع بزرگی محسوب شوند. در ژئوپلیتیک سفت و سخت خاورمیانه، هویت‌خواهی کردها خود به نوعی ضدژئوپلیتیک تبدیل گشته است. چنین فرآیندی جزو اهداف بلند مدت ایالات متحده است و این کشور از هرگونه تجزیه کشورها در منطقه خاورمیانه استقبال خواهد کرد.

نکته قابل توجه این است که یک چهره‌سازی جدیدی در سطح منطقه و در میان کردها به‌ویژه به کمک رسانه‌های جهان و تأثیر در فضای مجازی شکل گرفته است. این امر به تقویت هویت کردی نه تنها در بین کردهای سوریه بلکه در میان کل کردهای منطقه در ایران، ترکیه و عراق کمک کرده است. این هویت در شکل‌دهی به رفتار مردم کردستان سوریه بسیار تعیین‌کننده خواهد بود. همچنین در بستر این تحولات، اتحاد و همبستگی بیشتری نیز بین کردها به وجود آمده و مشاهده کردیم که حکومت اقلیم کردستان علی‌رغم سمبلیک و غیرمؤثر بودنش، با فشار زیاد بر ترکیه موفق شد تعدادی نیروی مسلح پیشمرگه و ادوات و تجهیزات برای کمک به کردهای سوریه (آن هم از خاک ترکیه که به دشمنی با کردها معروف بوده و تمایل چندانی به تقویت جریان کردی سوریه به رهبری کردهای ترکیه‌ای نداشت) ارسال کند (خاکی، جوانمردی ۲۰۱۴: ۸۸).

۳. جایگاه کردها در خاورمیانه جدید

گاهی اوقات در روزنامه‌ها و رسانه‌های خبری مختلف جهان شاهد تحلیل‌هایی مبنی بر تشکیل خاورمیانه‌ای جدید با محوریت کردها هستیم. حال این سؤال پیش می‌آید

که مطرح کردن کردها به نفع چه کسانی خواهد بود و خود کردها در خاورمیانه جدید چه سهمی خواهند داشت؟ این روزها شاهد اتفاقات و تغییرات متفاوتی در منطقه خاورمیانه هستیم که تا یک دهه پیش خبری از آن نبود. اتفاقاتی همچون جنگ افغانستان، جنگ عراق، تغییر حاکمان سیاسی برخی از کشورهای خاورمیانه و همچنین اختلافات سیاسی اعراب و کردها در عراق و اخیراً جنگ داخلی سوریه و موضع‌گیری‌های جهان نسبت به اوضاع این کشور. سال‌ها قبل که حرف از طرح خاورمیانه جدید و برنامه‌ریزی ایالات متحده آمریکا برای این طرح بود زیاد به آن اهمیت نمی‌دادند اما امروزه با اتفاقات جدیدی که با سرعت زیاد در حال جریان است شاهد تغییرات گسترده‌ای در کشورهای خاورمیانه هستیم که به نظر می‌رسد کردها در آن نقش اساسی را بازی کنند. بیشتر تحلیل‌های موجود بر سر بحران سوریه بر این نکته توافق دارند که این بحران جزئی از تغییرات مرزی خاورمیانه جدید محسوب می‌شود، خاورمیانه‌ای که در سال ۱۹۱۶م بر اساس معاهده سایکس پیکو تشکیل شد و اکنون به سویی می‌رود تا تغییر کند، به نظر می‌رسد امروزه شاهد رونمایی از کردستان جدیدی هستیم که تا چند سال قبل حرفی از آن نبود. مناطق کردنشین با منابع غنی انرژی نفت و گاز در حال رشد و محور توجه کشورهای مختلفی چون آمریکا، ترکیه و برخی کشورهای اروپایی قرار گرفته است.

در عراق کردها از لحاظ اقتصادی و سیاسی تا حدودی مستقل شده‌اند که مقایسه وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن‌ها چه از لحاظ داخلی و چه خارجی با یکی دو دهه قبل قابل تامل است. حتی ظهور داعش باعث گردید که کردها فرصت بیابند نیروهای پیشمرگ خود را در تمامی مناطق کردنشین عراق از جمله در شهر نفتی کرکوک مستقر نمایند. امروزه شاهد تغییر رویکرد ترکیه نسبت مسئله کردی و اقلیم کردستان عراق و حتی کردهای کشورش نیز هستیم. کشوری که تا دیروز حتی حاضر نبود اسم کرد را بر زبان بیاورد و به آنان ترک‌های کوهی می‌گفت در چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای حاضر شده حقوق آن‌ها را به رسمیت بشناسد. (خاکی،

۱-۳. ژئوپولیتیک خاورمیانه فرصتی برای تحقق بهار کردها

اگر بهار را به معنای شکستن فرصت‌ها در زندگی تعبیر کنیم، بی‌شک تحولات اخیر، از سال ۲۰۱۰ میلادی به بعد در منطقه خاورمیانه، بهاری برای مردمان آن بوده است. بدین دلیل که فرصت‌هایی را برای مردمان این منطقه فراهم آورده است که پیش از این وجود نداشت و حتی تفکر در مورد آن، بسیار سخت بود. اما این بهار عربی، منجر به شکفته شدن بهار دیگری برای کردها در منطقه شده است. تحولات موسوم به بهار عربی، افق جدیدی را پیش‌روی کردها گشود تا بتوانند به خواست تاریخی خود دست یابند. در حال حاضر گروه‌های سیاسی و اجتماعی کرد تلاش می‌کنند که مجموعه کنش‌های خود را بخشی از دایره تحولات سیاسی موسوم به بهار عربی تعریف نمایند، اما سنخ خواست و مطالبات کردها با اعراب متفاوت و بعضاً متناقض است. دموکراسی‌خواهی تحت سیطره یک دولت ملی با دموکراسی‌خواهی تحت سیطره یک دولت دموکرات متفاوت است. با این توضیح که اعراب در فکر پایان دادن به یک رژیم دیکتاتور و استقرار یک دولت دموکرات هستند و کردها به دنبال شکل‌دهی به یک دولت ملی دموکرات برای هویت‌بخشی به خواست‌ها و نیازها سرکوب شده خود می‌باشند (خاکی، ۲۰۱۴: ۱۲۴).

به جرأت می‌توان گفت که ژئوپولیتیک هیچ منطقه‌ای در جهان به اندازه خاورمیانه دچار تشتت و بحران نیست. ویژگی‌های جمعیتی و پراکندگی نامناسب قومی در این منطقه بر دامنه‌چنین‌تشتتی افزوده است. کردها بخشی از این ناهمگونی جمعیتی در خاورمیانه محسوب می‌شوند. چنانچه که گفته شد، فروپاشی دولت عثمانی همواره مسئله کردها را در دستور کار دولت‌های مختلف برای تأمین امنیت خود قرار داد. به دلیل عدم چشم‌پوشی کردها از یک خواست دنیای مدرن یعنی شکل‌دهی به یک دولت مستقل، چنین نیازی در طول بیش از ۹ دهه تداوم پیدا کرده است. اما شکل‌گیری یک دولت فدرال در منطقه شمال عراق، فرصتی تاریخی برای آنان بود تا به بخشی از خواست‌ها و نیازهای خود در این زمینه دست یابند.

مهم‌ترین ویژگی سیاسی کردها در سال‌های اخیر، احتراز از پذیرش نظم‌های سیاسی داخلی و منطقه‌ای بوده است. کردها به هیچ‌وجه نسبت به تثبیت اوضاع در خاورمیانه روی خوش نشان نداده‌اند. در حقیقت پیگیری چنین وضعیتی می‌تواند منجر به دست کشیدن آنان از اهداف تاریخی خود گردد.

به همین خاطر بهار عربی و یا آنچه که بیداری اسلامی خوانده می‌شود، بار دیگر فرصتی تاریخی را برای کردها ایجاد کرد تا بتوانند هدف خود را به عنوان یک دستور کار سیاسی مهم تبدیل کنند. اما واقعیت این است که قبل از شکل‌گیری بحران در سوریه، کردهای این منطقه از اراده و خواست عمومی برای برخورد و یا حتی پیوستن به اعتراضات عمومی در سوریه نبودند. به همین خاطر است زمانی که مخالفین بشار اسد در ترکیه جمع شدند تا استراتژی‌های خود را حول مبارزه با دولت سوریه، انسجام بخشند، بسیاری از کردها از این ائتلاف خارج شدند و تنها «عبدالباسط سیدا» بود که در این دایره ماند و در نهایت به ریاست شورای ملی متعرضان سوریه نیز رسید. اما پس از انفجارهایی که در مرکز دمشق صورت گرفت و عملاً بخش‌های اعظمی از مناطق شمالی کردنشین سوریه به دست کردها افتاد، ورق برگشت (هفته‌نامه روزان ۲۰۱۳: ۶) ترکیه شاید اولین کشوری بود که نسبت به سیاست خود در سوریه دچار تردید جدی شد. ترکیه با تهدید به ورود نظامی خود به شمال سوریه از احتمال قدرت‌گیری حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) در شمال سوریه به شدت ابراز نگرانی کرد.

کردهای سوریه به وضعیتی تقریباً مشابه آنچه که در کردستان عراق در اوایل دهه ۱۹۹۰ به وجود آمده بود، دست یافتند. آنان به یک منطقه پرواز ممنوعی دسترسی داشتند که هر گونه سرکوب و دیکتاتوری صدام حسین از آنجا رخت بر بسته بود. اما چنین فرصتی اما نه با همان ویژگی‌ها در منطقه شمال سوریه ایجاد شده است. این ژئوپلیتیک جدید هویت‌خواهی کردها را از طریق ایجاد یک دولت فدرال و نه مستقل به یک واقعیت تبدیل می‌کند. دولت فدرال مدلی است که قدرت‌های بزرگ از آن برای تثبیت برتری کردها در مناطق قومی و سیاسی خاورمیانه بهره برده‌اند و با

توجه به مدل اقلیم کردستان عراق جواب نیز داده است. چنین مدلی کمتر حساسیت-زا بوده و می‌تواند بیشتر آنان را به اهداف خود نزدیک سازد. بهار عربی در منطقه خاورمیانه برای کردها فرصت ساز بوده است. واقعیت‌های موجود بیانگر این وضعیت است و کردهای سوریه که تا پیش از این تمایل جدی برای پیگیری اعتراضات خود در قالب یک ملت در سوریه را نداشتند، در حال حاضر نمادها و پرچم‌های خاص احزاب و گروه‌های سیاسی خود را در شهرهای شمال سوریه برافراشته می‌کنند (وهاب پور، ۱۳۹۳).

بعد از دهه ۱۹۹۰ م که کردها به فرصت‌های تاریخی در بازنمایی اهداف و خواست‌های خود در نظام بین‌الملل دست یافتند، تحولات جدید منطقه به لحاظ فراهم کردن چنین فرصتی یک نقطه عطف دیگر محسوب می‌شود. نظام دوقطبی جنگ سرد، هرگونه تغییر در ژئوپولیتیک مناطق تحت سیطره ابرقدرت‌ها را غیرممکن ساخته بود. چنین تغییری با پاسخ بسیار تند دو ابرقدرت مواجه می‌شد. اما بعد از این دوران، ایالات متحده نسبت به تغییر وضعیت در مناطق قومی و هویتی نه تنها مخالفتی به عمل نیاورد بلکه در بسیاری از مواقع خود از حامیان آن نیز محسوب شد (Lenur, 2004: 201). آمریکا نسبت به هویت خواهی‌های قومی در مناطق مختلف جهان، به دیده مثبت نگاه می‌کرد شاید به این دلیل که در صورت شکل‌گیری یک دولت ملی جدید احتمال استقرار ارزش‌های دموکراتیک و لیبرال بسیار محتمل‌تر از دوران گذشته است. در عراق فرآیند دولت‌سازی به سمتی پیش رفت که هرگونه تنش و بحران سیاسی مبتنی بر درگیری‌های قومی به حداقل برسد. هر چند ترکیه به عنوان یک متحد بزرگ دولت واشنگتن، مخالف جدی چنین سیاستی می‌باشد، اما آمریکا نسبت به شکل‌گیری دولت‌های جدید در منطقه خاورمیانه و نیز مناطق خودمختار نگاه مثبتی دارد. این نگاه برگرفته از منطق امنیتی آمریکا می‌باشد که مخالف هر گونه قدرت‌گیری دولت‌های بزرگ در منطقه است. به دلیل اینکه هر گونه قدرت‌یابی دولت‌ها در خاورمیانه با منافع اصولی و امنیتی اسرائیل در تضاد است، آمریکا نیز نسبت به چنین سیاستی برخورد هوشمندانه انجام می‌دهد. هر چند

بی‌ثباتی در ترکیه در کوتاه مدت به نفع آمریکا نیست، اما قدرت‌یابی یک دولت مسلمان با افکار عمومی تقریباً مخالف رژیم اسرائیل می‌تواند چنین امری را توجیه نماید. عقب‌نشینی بشار اسد از مناطق شمالی نیز با همین منطوق صورت گرفت تا مسئله سوریه از یک بحران بین‌المللی و منطقه‌ای برای ترکیه به یک بحران داخلی تبدیل شود.

قدرت‌گیری کردها، هر چند مخالفین جدی منطقه‌ای را نیز در پشت سر خود دارد، اما این محدودیت‌های منطقه‌ای و ساختاری بین‌المللی تعیین‌کننده نیستند و نمی‌توانند نسبت به دست‌یابی هویت‌خواهی کردها مانع بزرگی محسوب شوند. چنین فرآیندی جزو اهداف بلند مدت ایالات متحده است و این کشور از هرگونه تجزیه کشورها در منطقه خاورمیانه استقبال خواهد کرد.

بنابراین مسئله کردها در فرایند تحولات منطقه موسوم به بهار عربی و یا بیداری اسلامی، به صورت تاریخی به یک فرصت دست یافته است. این تحولات که منشأ آن از اقلیم کردستان عراق برنامه ریزی شده است، به صورت مشخص‌تر خود را در سوریه و همچنین جایگاه کردهای ترکیه بعد از انتخابات پارلمانی ۷ ژوئن ۲۰۱۵ میلادی و رد کردن مانع ۱۰ درصدی کردها، نشان داد. کردها با تحولات جدید در منطقه خاورمیانه و تحولات ژئوپلیتیکی که به وجود آمده است به زمینه‌هایی برای شکل‌دهی به اهداف خود دست یافته‌اند. هر چند برخی از کارشناسان چنین فرصتی را به ویژه در سوریه موقتی می‌دانند و احتمال می‌دهند بشار اسد بعد از تسلط بر اوضاع شهرهای بزرگ خود به سراغ شمال سوریه نیز خواهد رفت، اما به نظر می‌رسد دسترسی به موقعیتی که در آن کردها به حقوق تاریخی خود از جمله کسب حق یک شهروند عادی برسند، می‌تواند در آینده کردها را به مبارزه جدی‌تر با دولت‌هایی چون سوریه و ترکیه تشویق نماید.

۲-۳. پیشنهاد نزع کردهای سوری با دولت‌های مرکزی

با در آستانه سقوط قرار گرفتن امپراطوری عثمانی به عنوان «مرد بیمار اروپا»، اروپاییان که چشم طمع به قلمرو عثمانی داشتند خود را برای تقسیم سرزمین‌های

عثمانی و ایجاد نظامی نوین در منطقه آماده کردند و از همین رو بود که در سال ۱۹۱۶م و پیش از فروپاشی امپراطوری عثمانی با معاهده سری سایکس‌پیکو خود را برای به غنیمت گرفتن قلمروهای به جا مانده از فروپاشی احتمالی این امپراطوری آماده کردند، سرانجام نیز پس از سقوط عثمانی، اروپاییان در سال ۱۹۲۰م با معاهده-ی سور برای قلمرو عثمانی واحدهای سیاسی مختلفی را تعریف کردند که طی آن مناطق کردنشین سوریه و ترکیه و کردستان عراق در آن به عنوان سرزمینی واحد در نظر گرفته شده بود، هرچند که پس از مدتی این معاهده جای خود را به معاهده لوزان داد و اروپاییان مسئله کردی را به فراموشی سپردند و بر قلمرو به غنیمت گرفته شده از امپراطوری عثمانی با عنوان قیم به حکم رانی پرداختند، مناطق کردنشین سوریه نیز همچون سایر بخش‌های سوریه سهم فرانسوی‌ها شد، در همان ایام بود که کردهای سوریه به مبارزه با دولت نوظهور جمهوری ترکیه به ریاست آتاترک پرداختند (مصطفی امین، ۲۰۰۶: ۱۳۰).

مهم‌ترین آنان قیام‌های «حزب خویبیون» و «حرکت شیخ سعید پیران» بوده است. اما پس از گذشت ۵ سال از قیام کردهای سوریه در سال ۱۹۲۹م فرانسویان با ترکیه قرار داد "ترکیه-فرانسه" را انعقاد نمودند و دولت ترکیه مجال یافت با اقتدار و قدرت بیشتری قیام کردهای سوریه و همراهی آنان با کردهای ترکیه را سرکوب نماید. این عمل فرانسویان نطفه مبارزی کردهای سوریه با دولت استعماری آنان در سوریه را آغاز کرد و در آن ایام کردهای سوریه در کنار اعراب سوری با دولت مرکزی فرانسویان به مبارزه پرداختند، این مسئله موجب شد تا روزه‌هایی از امید گذار پروژه ملت‌سازی به سبک "سوری" در این ناحیه شکل گیرد اما اعراب پس از به قدرت رسیدن سعی کردند از کردها فاصله بگیرند، فاصله‌ای که با ظهور ناسیونالیسم عرب و به قدرت رسیدن آن در سوریه توسط حزب بعث و مطرح شدن پروژه "تعریب" (عرب‌سازی) شمال سوریه تبدیل به یک عداوت و کینه قومی شد. (هوشمند، خبرگزاری برنا: ۲۰۱۳).

اگر بخواهیم به جریان شناسی اختلافات اکراد سوری با دولت مرکزی پردازیم باید اوج آن را در سال ۱۹۴۶م می بینیم که حزب بعث در سوریه به قدرت رسید و از آن پس به طور سیستماتیک برنامه کوچ اجباری و هویت زدایی از کردهای سوریه را آغاز نمود. بالاخص پس از آنکه حافظ اسد همزمان و همانند صدام حسین، رئیس جمهور عراق عملیات تعریب کردها را همزمان در کردستان عراق و مناطق کردنشین سوریه پیگیری نمود. با فوت حافظ اسد و به روی کار آمدن بشار اسد، فرزند وی در سال ۲۰۰۰، دولت سوریه سعی کرد، رویه خود نسبت به اکراد را اندکی تلطیف نماید و از این رو برای نخستین بار به بخشی از اکراد سوریه کارت شناسایی ملی اعطا شد، اما این رویه اندک زمانی طول نکشید و با تقویت شاخه پ.ک.ک در شمال سوریه، عملاً دولت اسد با کردهای شمال سوریه مقابل هم قرار گرفتند طوری که شورش قامشلی در سال ۲۰۰۴ امکان هرگونه تفاهم بین کردهای سوریه و دولت مرکزی این کشور را تضعیف نمود (محمودیان، خبرگزاری کردپرس: ۲۰۱۳).

اختلافات بین اکراد سوری و دولت مرکزی تقریباً به بن بست رسیده بود، تا اینکه موج ناآرامی‌های عربی به سوریه رسید، سوریه از آغاز ۲۰۱۰م دستخوش سلسله ناآرامی‌های مختلفی شد، ناآرامی‌های که مناطق کردنشین را در آغاز در برنگرفته بود، اما با سقوط سوریه به ورطه جنگ داخلی در سال ۲۰۱۱، رزمندگان و فعالین کرد موفق شدند بدون کوچک‌ترین عملیات و تظاهراتی گسترده و قابل توجه کنترل بخش مهمی از مناطق کردنشین سوریه را به دست گیرند. در نهایت در سال ۲۰۱۲م کردهای سوریه طی نشست در اربیل کردستان عراق، با صدور بیانیه‌ای با عنوان "بیانیه جبهه متحد احزاب کردستانی سوریه" نقشه راه آینده مناطق تحت کنترل خود را تشریح می‌نمایند تا اینکه در نهایت در سال ۲۰۱۲م با ترک شهرهای کلیدی کردنشین سوریه توسط ارتش سوریه، کردهای سوریه موفق به تسلط بر مناطق خود می‌شوند.

در واقع تحولات سیاسی مناطق کردنشین سوریه، در گستره‌ی جغرافیایی نه چندان وسیعی روی داده که شاید در مقایسه با بحران کل سوریه، بازتاب رسانه‌ای چندانی

در جهان پیدا نکرده است با این حال تأثیر این تحولات بر فضای رقابت‌های سیاسی و حزبی کردها، بسیار حیاتی و تأثیرگذار است. همانطور که اشاره شد، همزمان با آغاز بحران سوریه، کردها در شمال این کشور، طی مدتی بسیار کوتاه نشان دادند که دارای آمادگی حزبی و سازمانی بالایی برای اداره مناطق خود هستند.

بشار اسد که نمی‌توانست همزمان در چندین جبهه در برابر مهاجمین بجنگد، ترجیح داد مناطق کردنشین سوریه را تا حد زیادی به خود آنها واگذار کند. از دیگر سو احزاب نزدیک به بارزانی هم در اربیل نیروهای خود را سازماندهی کرده و با تشکیل نهادی به نام شورای میهنی کردهای سوریه (ENKS)، به فعالیت‌های خود توسعه دادند و در کشورهای قطر و ترکیه با شورای ملی مخالفین و بعدها با ائتلاف مخالفین سوری ارتباط برقرار کردند. آنان همچنین با گروه‌های نزدیک به پ.ک.ک یک نهاد مشترک به نام "هیأت عالی کردهای سوری" تشکیل دادند که البته خیلی زود به خاطر اختلافات داخلی، فعالیت خود را متوقف کرد و جلسات طراحی شده این هیأت معلق ماند. (هوشمند، خبرگزاری برنا: ۲۰۱۳).

هم اکنون بین کردها و به‌ویژه شورای میهنی کردهای سوری و رژیم بشار اسد، اختلاف و تضاد جدی وجود دارد و اغلب کردها بر این باورند که در تاریخ پنجاه و چند ساله حکومت خاندان اسد، کردها ستم دیده و حقوق آنها پایمال شده است. بین حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی و پ.ک.ک به رهبری عبدالله اوجلان، در مورد آینده کردهای سوری و چند و چون تقسیم قدرت، اختلاف نظر جدی وجود دارد. بین شورای مردم غرب (نهادهای نزدیک به پ.ک.ک) و شورای میهنی (۱۲ حزب نزدیک به بارزانی) یک تنش سیاسی تمام عیار در جریان است. ائتلاف مخالفین سوری در استانبول، بخشی از کردها (حزب اتحاد دموکراتیک) را به همدستی با رژیم بشار اسد و ضربه زدن به انقلاب و سوءاستفاده از خلاء سیاسی متهم می‌کند و به موازات همه این‌ها، موضوعی به نام حضور گروه‌های تکفیری و افراطی در مناطق شمال سوریه و حملات آنان علیه کردها، قطع آب و برق شهر پانصد هزار نفری کوبانی و ربودن صدها شهروند کرد سوری، تنها

گوشه‌ای از هزینه‌های سنگین حملات این گروه‌ها به کردهای سوری است (دستمالی، کردپرس: ۲۰۱۳).

حزب اتحاد دموکرات کردهای سوریه به منظور پیشبرد اهداف خود، نقشه راهی را به سایر احزاب کردی سوریه پیشنهاد داد، حزب اتحاد دموکراتیک سوریه به دنبال این بود که سطح تصمیم‌گیری‌های کردی سوریه را به یک مجلس ارتقا داده شود، مجلسی که عنوان "مجلس مسئول تکمیل پروژه خودگردانی کردهای سوریه" را برای خود به یدک می‌کشد، پس از آن نیز مجلس حزب اتحاد دموکرات کردهای سوریه در نخستین سلسله تصمیم‌گیری‌های خود در آذر ۱۳۹۲ برای مناطق کردنشین سوریه مسیر نوینی را پیشنهاد و ترسیم می‌نماید، این مجلس وابسته به حزب اتحاد دموکرات کردهای سوریه به طور رسمی مناطق کردنشین سوریه را از نام «نظام مدیریت موقت» به «مدیریت خودگردانی دموکراتیک» تغییر می‌دهد، در قدم دیگر این مجلس با درک از گسستگی جغرافیایی مناطق کردنشین سوریه تصمیم می‌گیرد که قلمرو کردهای سوریه به سه منطقه خودگردان، جزیره، عفرین و کوبایی با مجالس قانونگذاری محلی تقسیم نماید.

در این سلسله تصمیمات حزب اتحاد دموکرات کردهای سوریه فقط به مسئله قانون-گذاری و امور پارلمانی نپرداخت، بلکه با درک از مشکل تعدد احزاب در سوریه آنان "کمیته ای پیگیری اداره موقت" را به "گروه پیگیری و آماده سازی پروژه موقت (خودگردانی) تغییر می‌دهند، این گروه با در بر گرفتن ۱۹ عضو هدفش ایجاد یک اجماع در تصمیمات اجرایی است. در ادامه این نقشه راه نیز حزب اتحاد دموکرات کردهای سوریه در سال ۲۰۱۳م به طور رسمی خطاب به جهانیان مناطق کردنشین سوریه را "خودگردان" اعلام می‌نماید.

اما این نقشه راه حزب اتحادیه دموکرات با چالشهای جدی روبرو است، به طوری که میتوان اذعان داشت که این نقشه راه به جزء خود حزب اتحادیه دموکرات و پ.ک.ک، موافق چندانی ندارد، زیرا که از یک سو سایر احزاب کردی بالخص "حزب دموکرات کردستان سوریه" با آن به مخالفت پرداختند و حتی پاره ای از

جناح های کردی آن را نشان دهنده سلطه طلبی اتحادیه دموکرات دانست، از سوی دیگر اقلیم کردستان عراق به عنوان یکی از مهمترین بازیگران کردی منطقه به طور رسمی هنوز آن را نپذیرفته و اتحادیه دموکرات را متهم به همکاری با نظام سوریه کرد، فرای بازیگران کردی منطقه دولت مرکزی سوریه نیز این عمل را به رسمیت نشناخته است، معارضین عرب دولت سوریه نیز رفتار حزب اتحادیه دموکرات را پشت کردن به انقلاب مردم سوریه تفسیر نمود، در حقیقت میتوان اینگونه اذعان داشت که تنها بازیگر کردی منطقه که "خودگردانی در مناطق کردنشین سوریه" را پذیرفته است، پ.ک.ک می باشد که از این رفتار حزب اتحادیه دموکرات به عنوان یک "انقلاب" یاد نمود.

۴. مواضع کردهای سوریه در برخورد با تحولات سوریه

کردهای سوری در قبال تحولات سیاسی و امنیتی پیش آمده در این کشور و تحت شرایط خاص موضعگیری های متفاوتی به شرح زیر داشته اند:

همراهی کوتاه مدت با معارضین دولت سوریه

مناطق کردنشین سوریه سوریه هرچند به شدت تحت کنترل نیروهای امنیتی و نظامی سوریه بوده، اما هر از گاهی به بهانه های مختلف از جمله گرامی داشت نوروز و یا کشته شدن برخی رهبران همچون «مشعل تمو»، به صحنه اعتراضات پراکنده تبدیل شده است و این ها حاکی از عدم رضایت آن ها از وضعیت خود در سوریه است. به همین دلیل، نخستین واکنش طبیعی کردهای سوریه به اعتراضات و درگیری های آغاز شده در جنوب سوریه نوعی اعلام حمایت بود که در چند تظاهرات محدود، خیابانی در برخی مناطق و شهرهای کردنشین خود را نشان داد. البته این اعتراضات، هم در اثر فشار نیروهای امنیتی و هم با توصیه ی برخی رهبران کرد عراقی، خیلی زود به اتمام رسید.

سیاست مدارا و آرامش در منطقه

دومین واکنش کردهای سوری اتخاذ سیاست صبر و انتظار، توأم با گسترش فعالیت های مخفیانه در مناطق کردنشین بود. شاید بتوان تأثیرگذارترین فرد ممکن در

اتخاذ این راهبرد را «جلال طالبانی»، رئیس‌جمهور عراق، دانست؛ چرا که چند روز بعد از وقوع چند تظاهرات پراکنده توسط کردهای سوری، وی در دیدار با برخی از رهبران کرد این کشور از آنان خواست در فضای موجود آرامش را حفظ کنند و در عوض، ضمن افزایش تحرکات سیاسی عقلانی، به مذاکره با دولت مرکزی برای به دست آوردن حقوق بیشتر برای کردها دست بزنند. پذیرش صدور شناسنامه برای بیش از ۶۰ هزار نفر از نیم میلیون کرد بی‌شناسنامه توسط دولت سوریه، در اولین اقدام اصلاحی آن، در زمان به‌کارگیری این استراتژی به وقوع پیوست. همچنین این استراتژی تأثیر زیادی در توافق بعدی با دولت برای کنترل مناطق کردنشین داشت.

توافق با دولت مرکزی سوریه

سومین تحول ممکن در شمال سوریه به توافق نانوشته و غیررسمی دولت مرکزی با برخی از احزاب کرد سوری برای واگذاری کنترل و اداره‌ی چند شهر، از جمله سری کانی (رأس‌العین)، کوبانی (عین‌العرب)، عفرین و... باز می‌گردد. گسترش درگیری‌های نیروهای ارتش آزاد و دیگر مخالفین با دولت مرکزی در حلب و دیگر مناطق بحران‌زده، در کنار تاکتیک صبر و نوعی مدارا با دولت، باعث شد تا دولت سوریه بالاچار کنترل شهرهای مذکور را به حزب اتحادیه‌ی دموکراتیک و جریان‌های وابسته به آن واگذار کند.

حضور در اربیل و تلاش برای انسجام

از نظر زمانی نمی‌توان برتری میان ۲ وضعیت "توافق با دولت مرکزی" و "حضور در اربیل" قائل شد؛ چون از همان ابتدای بحران گروه‌های مختلف کرد سوری، به ابتکار و پیشنهاد مسعود بارزانی، در اربیل حضور یافتند و به گفت‌وگو و نزدیک کردن دیدگاه‌های خود پرداختند. اما چون نتیجه‌ی توافق با دولت مرکزی پیش از نتایج نشست‌های اربیل حاصل شده است، در نتیجه این تاکتیک در اولویت قرار گرفته است. در این مرحله نهایتاً دو جریان شورای ملی کردهای سوریه با رهبری حزب الپارتی و شورای ملی غرب کردستان با محوریت حزب اتحاد دموکراتیک اقدام به تشکیل "شورای عالی کردهای سوریه" کردند. این مرحله را می‌توان یکی از

مهم‌ترین و حساس‌ترین تحولات موضعی برای دستیابی عملی به نوعی انسجام اولیه‌ی سیاسی و نظامی در میان کردهای سوریه نامید. همچنین حکومت اقلیم کردستان عراق، علاوه بر حمایت‌های سیاسی و احتمالا مالی خود، اقدام به آموزش و تجهیز نیروهای نظامی کرد سوریه‌ای برای تقویت این احزاب و کسب توان کنترل مناطق کردنشین کرد.

مذاکرات نافرجام با اپوزیسیون سوریه

مرحله‌ی دیگر موضع‌گیری گروه‌های کرد سوری را می‌بایست در رابطه با مشخص کردن کیفیت جایگاه و مواضعشان در قبال گروه‌های اپوزیسیون عربی سوریه تقسیم‌بندی کرد. در این مرحله، کردهای سوریه در نشست‌های استانبول، ژنو و قاهره شرکت کردند، اما نتوانستند دیگر گروه‌های سوری را راضی و وادار به پذیرش خواسته‌ها و اهداف خود کنند. به همین دلیل، به نوعی ایجاد تمایز و صف‌بندی با گروه‌های اپوزیسیون دست زدند. عمده‌ترین خواسته‌های کردها در این مرحله را می‌توان پیشنهاد ایجاد سیستم نیمه‌متمرکز (فدرالیسم) برای آینده‌ی سوریه، شناسایی ملت کرد و شناسایی کردستان سوریه قلمداد کرد که همه‌ی این خواسته‌ها به صراحت از سوی رهبران اپوزیسیون رد شد. لازم به ذکر است در این برهه‌ی زمانی «عبدالباسط سیدا»، که خود کرد است، رهبری شورای ملی اپوزیسیون سوریه را بر عهده داشت و خود از منتقدین مواضع احزاب کرد سوریه‌ای بود. نتیجه‌ی این چالش‌ها به خروج احزاب کرد شرکت‌کننده در اجلاس قاهره منجر شد.

نزدیکی به اپوزیسیون

آخرین تحول در مواضع کردهای سوریه به تلاش‌های جدید برخی از احزاب کرد و نیز شورای ملی اپوزیسیون سوریه بازمی‌گردد که در آن، طرفین تا حدودی از مواضع تند و ادبیات تهاجمی علیه یکدیگر کاسته‌اند. در این مرحله دیگر «عبدالباسط سیدا» رهبری شورای ملی اپوزیسیون سوریه را در دست ندارد و این مهم بر عهده‌ی «معاذ خطیب» افتاده است. در کل ائتلاف ملی اپوزیسیون سوریه، برای آنکه بتواند حمایت‌های بین‌المللی بیشتری را به دست آورد، استراتژی پوشش و جذب

حداکثری احزاب و گروه‌های مختلف سوری از جمله کردها را در پیش گرفته است. البته این شورا هنوز جریان وابسته به اتحاد دموکراتیک PYD را قبول نکرده و صراحتاً اعلام داشته است مانع از الحاق آن‌ها به اپوزیسیون و ارتش آزاد خواهد شد لذا باید گفت هنوز آخرین تحولات در موضع کردهای سوریه در برابر اپوزیسیون این کشور جاری است. در همین راستا بود که در نشست دوحه، ۵ تن از رهبران کرد یعنی عبدالحکیم بشار، دبیرکل حزب دموکرات کرد سوریه (الپارتی)؛ مصطفی اوسی، دبیرکل حزب آزادی کرد سوریه؛ محمد صالح گدو، رئیس حزب چپ دموکراتیک کرد؛ عبدالباسط سیدا، رئیس سابق شورای ملی سوریه؛ و یک بازرگان میلیاردر کرد به نام یحیی الکردی شرکت کردند. (Kurdistan online, 2013).

۵. چالش‌های پیش‌روی کردهای سوریه برای خودگردانی

پیشرفت کردهای سوری به معنای راحت بودن مسیر پیشروی آنان نیست، کردهای سوریه از یک سو با پراکندگی جغرافیایی مواجه‌اند، آنان همچون کردهای عراق و ترکیه دارای یک محدوده جغرافیایی متصل نیستند، بلکه در شمال، شرق و غرب ناحیه شمالی سوریه در سه بخش مجزا پراکنده شده‌اند که در بینشان اقوام عرب سکنی گزیده‌اند، این پراکندگی جغرافیایی باعث می‌شود کردها از یک سو نتوانند با چالش‌های خارجی و تهدیدات نظامی با تمام قوا مقابله کنند و از سوی دیگر خطر اختلافات داخلی را بین آنان افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر کردهای سوریه‌ای با تهدید گروه‌های تکفیری مواجه‌اند تا کنون بیش از ۴۷ گروه افراطی تکفیری من جمله داعش (دولت اسلامی شام و عراق)، النهضه، جبهه النصره به کردهای سوریه حمله کرده‌اند. نیروهای تکفیری عموماً گروه‌های آزموده‌ای‌اند که در پاکستان، افغانستان و عراق با قویترین ارتش جهان مبارزه کرده‌اند و پیش از این در چین با ارتش روسیه به عنوان الگوی ساختار نظامی سوریه به مبارزه می‌پرداختند، جریان‌های تکفیری در کنار آزموده بودن از حمایت مالی گسترده کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و ترکیه برخوردارند، از این رو رویاروی با چنین دشمن زبده و تا بن دندان مسلح برای کردهای سوریه تهدیدی جدی محسوب

می‌شود.. فرای این مسئله کردهای سوریه با چالش‌های منطقه‌ای و خارجی متعدد روبرو هستند، تاکنون ترک‌ها در شمال خودگردانی آنان را به رسمیت نشناخته‌اند و حتی آن را تهدیدی علیه خود تلقی می‌کنند و از این‌رو ممکن است به جریان‌های تکفیری برای مبارزه با رزمندگان کرد قدرت عمل بدهند، در بغداد نیز اجماعی بر سر تهدید یا فرصت بودن توسعه قلمرو کردی در منطقه وجود ندارد. حتی یگانه بازیگر رسمی کردی منطقه یعنی اقلیم کردستان عراق نیز از خودگردانی کردهای سوریه استقبال نکرد تا جایی که پاره‌ای از جریان‌ات کردی سوریه از سوی دولت اقلیم متهم به "فریبکاری" شدند (خاکی، ۲۰۱۴: ۸۹).

دیگر چالش پیش روی کردهای سوریه، مسئله اختلافات داخلی و تعدد احزاب است، شاید با وجود اینکه کردهای سوریه کمترین جمعیت کردهای منطقه را دارند اما بتوان آنان را صاحب بیشترین تعدد احزاب کرد دانست، کردهای سوریه از دیر باز دارای اختلافات سیاسی بوده‌اند و این اختلافات هم اکنون ابعاد متفاوت‌تری به خود گرفته است، درحقیقت چالش‌های داخلی مناطق کردنشین سوریه دیگر فقط دارای بازیگران و تصمیم‌گیران نهایی داخلی نیست و اراده بازیگران و صحنه آرایان خارجی قدرت تأثیرگذاری جدی به خود گرفته است، به طوری که حتی ممکن است از بازیگران داخلی هم مهمتر و پرننگ‌تر شده باشند.

در واقع تا پیش از جنگ داخلی سوریه، نظام این کشور در اوج اقتدار بود و سوریه در منطقه پس از ایران کمترین چالش را با نواحی کردنشین داشت و مسئله کرد به هیچ وجه جزو مؤلفه‌های کلیدی این کشور محسوب نمی‌شد، اما با آغاز جنگ داخلی در سوریه و تبدیل شدن این کشور به صحنه مصاف یک جنگ تمام عیار و فروریختن اقتدار حاکمیتی دولت سوریه و سلطه این دولت بر چهارچوب تمامیت ارضی این کشور، کردهای سوریه مجال جبران کاستی‌ها گذشته را یافتند و به میدان آمدند. از وضعیت نواحی کردنشین سوریه فقط می‌توان یک نتیجه جدی و قطعی گرفت و آن این است که این نواحی هیچگاه به حالت پیش از ۲۰۱۰م باز نمی‌گردد، اما در عین حال اینکه این منطقه به چه سمت و سوی می‌رود نیز مبهم است، از

یک سو به لحاظ پراکندگی جغرافیایی، تعدد آراء تصور پیدایش حالتی همچون اقلیم کردستان برای مناطق کردنشین سوریه به لحاظ پراکندگی قومی دور از انتظار است. از سوی دیگر سوریه پس از جنگ داخلی نیز آنچنان فرسوده خواهد بود که توانایی یک ماجراجویی دیگر را نخواهد داشت و در کنار آن کینه های قومی در این کشور چندان شدتی پیدا کرده اند که سوریه آینده بر روی لبه تیغ راه می می رود (محمودیان، خبرگزاری کردپرس: ۲۰۱۳).

در واقع "حزب اتحادیه دموکراتیک کردستان" بر این باور است که اعلام تشکیل کاتون سه گانه در مناطق کردنشین سوریه نتیجه طبیعی وضعیت به وجود آمده در این مناطق می باشد، چرا که نظام حاکم در سوریه به دلیل درگیری های شدید در استان های "دمشق"، "حلب"، "حمص" و "دیر الزور"، مجبور شد نیروهای خود را از مناطق کردنشین بیرون ببرد، در نتیجه "PYD" عملاً اداره این مناطق را در دست گرفت و طی چند سال اخیر آن را در دست داشته است. این در حالی است که وضعیت به وجود آمده در مناطق کردنشین سوریه ایجاب می کرد اوضاع این منطقه از نو سازماندهی شود و به امور مردم، ارائه خدمات و سازماندهی روابط اجتماعی رسیدگی گردد، به ویژه آنکه ساکنان مناطق مذکور از نظر قومیتی، مذهبی و فرقه ای با یکدیگر متفاوت هستند، جایی که در کنار کردها، عرب ها، آشوری ها، کلدانی ها، ارمنی ها، سریانی ها، چچنی ها، ترکمن ها، ایزدی ها و غیره در این مناطق زندگی می کنند.

خلاصه کلام اینکه، از نظر طرفداران پروژه اداره خودمختار در مناطق کردنشین سوریه، اوضاع این مناطق به گونهای است که نیاز شدیدی به برگزاری نشست جامع برای سازماندهی و مدیریت آنها تا زمان پایان بحران کنونی سوریه وجود دارد، هنگام پایان این بحران نیز، ماهیت روابط با دولت مرکزی این کشور از نو مشخص شود. این در حالی است که مبهم بودن هدف سیاسی از اعلام اداره خودمختار در مناطق کردنشین سوریه نیز به نوبه خود بحث و جدل در این باره را بیشتر کرده، چرا که برخی ها بر این باورند که هدف نهایی از این اقدام همان جدایی و تشکیل اقلیم

کردستان سوریه همانند اقلیم کردستان عراق می باشد و در سوی مقابل، باور برخی دیگر بر این است که این اقدام از چارچوب سناریوی مورد توافق "حزب اتحادیه دموکراتیک کردستان" و نظام حاکم در سوریه خارج نبوده و هدف از آن، مدیریت این مناطق از نظر خدمت رسانی و اداری تا پایان بحران کنونی سوریه می باشد.

در واقع، طرف های مخالف کانتون سه گانه در مناطق کردنشین سوریه، اعتقاد راسخی دارند که این پروژه با بر هم زدن اوضاع، بیش از همه به نظام حاکم در این کشور خدمت می رساند و در سطح راهبردی نیز راه را برای اقدامات تجزیه طلبانه فراهم می کند، به ویژه اگر مسئله کردها در سایر بخش های کردستان با تحولات چمشنگیری از قبیل آنچه در عراق روی داد و در سوریه در حال روی دادن است، روبرو شود؛ علاوه بر آن، بیشتر گروه های مخالف نظام حاکم در سوریه بنا به دلایل ایدئولوژیک ملی گرایانه عربی و یا دینی و یا حتی بنا به دلایل سیاسی مرتبط با اوضاع درگیری های در این کشور، با شکل گیری کانتون سه گانه مخالف هستند.

مسئله مهم دیگر این است که مرزهای جغرافیایی مناطق کردنشین سوریه تقریباً بسته بوده، جایی که از نظر خارجی در محاصره اقلیم کردستان عراق و ترکیه قرار دارد و از نظر داخلی نیز، با مناطق بی ثباتی روبرو است که با توجه به تغییر معادله قدرت میان نظام حاکم در سوریه و مخالفان آن، احتمال دارد به مرزهای درگیری و رویارویی تبدیل شوند. در واقع همه آنچه گذشت نشان می دهند که تشکیل اقلیم کردی در مناطق کردنشین سوریه در زمینه ارائه خدمات و فراهم کردن نیازهای مالی، غذایی و پزشکی ساکنان این مناطق، کاری بس دشوار است. با این حال، از نظر سیاسی منافع طرف های مختلف و روابط میان آنها قابل تغییر هستند و شاید هنگام آرام شدن وضعیت، تعامل با عمل انجام شده تبدیل به یک سیاست شود، چرا که صرف نظر از مخالفت های کنونی با تشکیل کانتون سه گانه در مناطق کردنشین سوریه، "حزب اتحادیه دموکراتیک کردستان" در زمینه اداره امور این مناطق تجربه کسب کرده و فعالیت داشته که این مسئله به نوبه خود بر حکمرانان سوریه در مرحله پیش رو ایجاب می کند که با این حزب تعامل داشته باشند. بدون شک سیاست عقب

انداختن تعامل با وضعیت مردمان کرد و یا بی توجهی به آن تا زمان دستیابی به تمامی اهداف با واقعیت جدیدی روبرو خواهد شد که از تشکیل اقلیم کردها بر اساس یک واقعیت ملی، اجتماعی و تاریخی نشأت میگیرد و این مسئله باعث خواهد شد اداره خودمختار از حالت موقت به دائمی انتقال یابد.

از دیدگاه هانی زاده، کارشناس مسائل خاورمیانه، اگر نظام بشار اسد سقوط کند، طبیعتاً کردهای سوری به سمت خودمختاری مطلق یا حتی استقلال حرکت خواهند کرد و دولت سوریه هم نه تنها مانع آنها نخواهد شد بلکه تشویقشان هم می کند تا جدا بشوند، ولی اگر دولت فعلی پابرجا بماند مجبور خواهند شد امتیازهای بیش تری حتی در حد خودمختاری به کردهای سوریه بدهند و در نهایت خروجی دولت مرکزی سوریه هرچه باشد به نفع کردهای قامیشلی و حسکه خواهد بود و با توجه به این که کردهای سوریه و عراق احساس نزدیکی و قومیتی با یکدیگر دارند، کردهای سوریه کمک‌هایی از سوی اقلیم کردستان دریافت می کنند و در واقع کردستان عراق آنها را تحریک کرد تا از طریق گروه‌های شبه نظامی به نوعی آمادگی خود را برای تشکیل دولتی خودمختار و حتی استقلال اعلام کنند، آنان خود را برای مرحله بعد از بحران سوریه آماده می کنند و به دنبال ایجاد حکومت خودمختار و حتی مستقل هستند تا بتوانند تابعی از اقلیم کردستان عراق باشند یعنی کردهای سوریه تلاش می کنند منطقه‌ای را برای خود تعریف کنند تا در آینده از طریق نزدیکی به اقلیم کردستان فاصله خود را از تحولات آینده سوریه حفظ کرده و در نهایت اعلام استقلال کامل بکنند. (هانی زاده، خبرگزاری ایسنا: ۲۰۱۳)

۶. پتانسیل اقتصادی برای تشکیل اقلیم کردی

علاوه بر تأثیر تحولات و بحران سیاسی سوریه، با توجه به وجود منابع طبیعی غنی مناطق کردنشین سوریه از جمله (ذخایر غنی نفت، ذخایر گازی، منابع عظیم آب و کشاورزی غنی) این منطقه پتانسیل تشکیل اقلیم کردی را دارا است. بنابر گزارش شبکه تلویزیونی «العربیه» در مورد ظرفیتهای اقتصادی مناطق کردنشین سوریه، این مناطق از ذخایر غنی نفت برخوردار است، به طوری که این ناحیه می تواند روزانه

۲۵۰ هزار بشکه یعنی به میزان نصف کل صادرات نفت سوریه را تولید و صادر نماید. هر چند که کردهای سوریه به دلیل عدم سلطه بر تمامی این مناطق هم اکنون امکان بهره برداری از تمام این ذخایر نفتی را ندارند.

بر اساس همین گزارش اقتصادی شبکه تلویزیونی «العربیه» میزان تولید گندم این منطقه سالانه ۱,۴ میلیون تن می باشد یعنی ۳۷ درصد کل تولید گندم سوریه و میانگین تولید پنبه در این منطقه سالانه ۲۷۳ هزار تن است (۳۹ درصد تولید کل سوریه). همچنین ۱۵ میلیون اصله درخت زیتون در این منطقه وجود دارد که شامل ۲۳ درصد کل درختان زیتون در سراسر سوریه است. به طور کلی این منطقه به تنهایی ۴۵ درصد کل تولیدات کشاورزی سوریه را تامین می کند.

از سوی دیگر این مناطق از منابع عظیم آب برخوردار است که شامل ده سد بزرگ با مجموع گنجایش ۳۰۰ میلیون متر مکعب آب و هشت رودخانه است که یکی از آنها رود فرات می باشد. محصولات آبی این منطقه ۵۵ درصد کل محصولات آبی سوریه را در بر می گیرد. بطور کلی اگر بخواهیم تخمینی نسبت به ظرفیت اقتصادی این مناطق برای تولید درآمد برای کردهای سوریه داشته باشیم میتوانیم با احتساب قیمت کنونی نفت در بازارهای جهانی سالی ۹,۵ میلیارد دلار از فروش نفت، از زیتون ۷۵۰ میلیون دلار، از گندم ۳۷۲ میلیون دلار و از فروش پنبه ۲۳۰ میلیون دلار در مجموع بالغ بر ۱۰,۸ میلیارد دلار برابر با نصف کل بودجه سوریه در سال جاری میلادی را برای مناطق کردنشین سوریه تخمین زد. با توجه به در امان ماندن شهرهای کردی از جنگ داخلی، سرمایه گذاری های آینده در این منطقه به جای اینکه صرف بازسازی شود در امر توسعه منطقه هزینه خواهد شد. البته بازهم باید این مسئله را در نظر داشت که کشت پنبه و زیتون در این مناطق انحصاراً در اختیار کردها نیست و ده ها روستای بزرگ عرب نیز در این مناطق دارای باغات و مزارع بزرگ هستند (خاکی، هفته نامه روزان، ۶: ۲۰۱۳)

۷. تجزیه و تحلیل یافته ها

کردها که در سوریه به نسبت سه کشور دیگر دارای جمعیت عمده کرد، دارای وضعیتی سخت و بغرنج تر بوده اند از آغاز بحران این کشور مواضع متعارضی را در پیش گرفته اند و به نظر می رسد همچنان در میانه انتخاب همراهی با اسد یا ضدیت با او و متحد شدن با مخالفین اش به نتیجه ای دست نیافته اند. در نتیجه می بینیم در مناطقی که اینک کنترل آن در دست نیروهای مسلح احزاب کردی است در کنار پرچم کردستان عراق و پرچم های حزبی، همزمان پرچم مخالفین اسد و در برخی نقاط پرچم فعلی این کشور برافراشته شده است. در پاسخ به چرایی سردرگمی کردهای سوریه باید گفت کردهای سوری در فردای پس از فروکش بحران سوریه، دو سناریو را برای آینده این کشور محتمل می دانند..

سناریوی نخست همانا سقوط دولت و روی کار آمدن نظامی جدید با محوریت گروه های مخالف بشار اسد است. در این سناریو هرچند یکی از رهبران گروه های مخالف سوریه خود یک کرد است اما این گروه ها و دولت های حامی آنها بویژه ترکیه نه تنها مساله ای بنام مساله کرد در سوریه را قبول ندارند بلکه نسبت به هر گونه گرتة برداری کردهای سوریه از کردستان عراق و نیز هرگونه حرکت هویت گرایانه قومی توسط آنان، مواضع سرسختانه و غیرقابل انعطافی گرفته اند. این مواضع باعث شد تا احزاب کرد سوری به قهر کنفرانس مخالفین در قاهره را ترک کرده و در دیگر مذاکرات برگزار شده در استانبول نیز حاضر نشوند. لذا حادث شدن سناریوی نخست در سوریه برای آنان خیلی هم نخواهد توانست خبر خوشایندی باشد چرا که گروه های مخالف سکولار و ملی گرا و جریانات تندروی اسلامگرای سوری (که به نظر میرسد دست بالا در تحولات این کشور را خواهند داشت) هیچگونه نرمشی از خود برای به رسمیت شناختن مساله کرد و برقراری نظامی فدرال در این کشور به مثابه عراق نشان نخواهند داد.

اما سناریوی دوم پیش روی بحران سوریه از دید کردها، باقی ماندن نظام تحت امر بشار اسد در این کشور است. کردها که از زمان حاکمیت اسدها (حافظ و بشار اسد)

در سوریه وضعیتی به مراتب سخت و بغرنج تر از قبل را طی پنج دهه تجربه کرده اند؛ خوب می دانند که در صورت احیاء و بازیابی قدرت دولت نخواهند توانست وضعیت فعلی که همانا اداره برخی مناطق کردنشین است، را ادامه بدهند و دولت نیروهای نظامی و امنیتی خود را یکبار دیگر بدانجاها گسیل خواهد کرد. لذا در این سناریو نیز کردهای سوریه امید چندانی برای دستیابی به خواسته های خود نمی بینند. اما مساله مهم در این میان فقدان متحد قابل توجه در میان بازیگران منطقه ای و فرمانطقه ای است که گروه های کرد سوری به آن دچار هستند. در حال حاضر دو بازیگر کوچک منطقه ای یعنی حکومت اقلیم کردستان عراق و حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک) حامیان فرامرزی کردهای سوریه به شمار می روند، حامیانی که در این حوزه دارای رقابت قابل تاملی نیز با یکدیگر هستند. اما در سطح بازیگران ملی منطقه ای می توان گفت هیچیک از دو جریان سیاسی و اصلی کرد سوری هیچ متحد رسمی را در پشت سر خود ندارند. یعنی نه جریان نزدیک به اربیل که دارای روابط حسنه تری با ائتلاف ملی مخالفین است توانسته است توجه دولت هایی نظیر ترکیه و یا حتی ائتلاف مخالفین را به خود جلب کند و نه اتحاد دموکراتیک در مواقع حساس (از جمله اعلام خودگردانی یک جانبه در سه منطقه از کردستان سوریه) توانسته است حمایت دیپلماتیک دمشق و یا همپیمانان استراتژیک آن نظیر تهران و مسکو را بدست آورد. و این مسایل حاکی از آن است که کردهای سوریه برخلاف دیگر گروه های قومی و مذهبی سوریه در عرصه دیپلماسی و منطقه‌ای از یک وضعیت مهجور و منزوی برخوردارند.

یکی از نمادهای این انزوا در جریان برگزاری کنفرانس ژنو ۲ به خوبی خود را نشان داد در جایی که یکی از جریانهای اصلی به آن دعوت نشد و جریان دیگر مدعو هم عملاً در حاشیه اجلاس قرار گرفت و خود آنان از عملکرد ائتلاف ملی برای عدم اشاره به کردستان سوریه و وضعیت کردها در آنجا شکایت کردند. بدین ترتیب بایست گفت وضعیت کردهای سوریه از نظر دیپلماتیک و حتی داخلی بسیار شبیه به وضعیت کردستان عثمانی در پایان جنگ جهانی اول است، جایی که انزوای بین

المللی کردها باعث شد آنان یکی از بازندگان اصلی خوان تقسیم غنایم جنگ توسط قدرت های بزرگ لقب گیرند! در چنین وضعیتی آنان امیدوار به تداوم بحران در سوریه برای تحکیم داخلی خود هستند اما عدم اتفاق نظر در داخل و افزایش اختلافات در کنار خطراتی همچون ادامه حملات پراکنده گروه های افراطی دینی همچون «جبهه النصره» و «داعش»، باعث هرچه شکننده شدن وضعیت آنان گشته است.

اما عنصر تأثیرگذار دیگر در سردرگمی کردهای سوریه به فقدان انسجام گروه های سیاسی کرد در این کشور باز می گردد در حالیکه مناطق کردنشین سوریه چندان گسترده و پهناور نیستند اما در این جغرافیای کوچک احزاب متعددی فعالیت دارند. «مسعود بارزانی» رهبر اقلیم کردستان عراق که راهبرد تقویت موقعیت کردها در سوریه را پیگیری میکند، در این زمینه بسیار کوشیده است تا با حمایت و میزبانی احزاب کرد سوریه آنها را به انسجام و در پیش گرفتن یک وحدت رویه وادارد. اما اتهام زنی برخی احزاب به یکدیگر مبنی بر حمایت از مخالفین اسد و یا حمایت از بشار اسد نشان می دهد تعدد گروه های کرد و تضاد دیدگاه و منافع آنها در سطحی است که عملاً انسجام آنها را بسیار دشوار گردانیده است. لذا این جهت گیری های متعارض در بین احزاب مختلف کرد سوریه یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر سردرگمی موجود در جهت گیری های آنان به شمار می رود.

در وضعیتی کلی تر باید گفت ایده آل ترین حالت ممکن برای کردها در سوریه ادامه بحران و درگیری در این کشور و تضعیف هرچه بیشتر طرفین درگیر است البته درگیری می بایست در مناطقی دورتر از مناطق کردنشین رخ دهد که طی آن کردها بتوانند ضمن تقویت و تثبیت موقعیت فعلی، به مذاکرات جدی تری با هر دو طرف دست زنند تا در نهایت امتیازات بیشتری را برای خود در فردای سوریه کسب کنند. پر واضح است این وضعیت نیز به دلیل پیچیدگی و شکنندگی آن و نیز مجاورت مناطق کردنشین سوریه با مرزهای ترکیه و حساسیت فوق العاده بالای همسایه شمالی، دارای وضعیت روشن و قابل پیش بینی برای آنها نخواهد بود.

نتیجه گیری

اصولا تجزیه کشورها و ایجاد یک سیستم فدرالیزه در دنیا چیز عجیبی نیست و استقلال خواهی و تمایل به خود مختاری در نقاط مختلف دنیا دیده می شود و تاکنون بسیاری از جدایی طلب ها به استقلال رسیده اند. نمونه های خواست تجزیه طلبی بسیار است که از جمله آنها می توان به ماجرای تبت چین، کبکی ها در کانادا، مناطق شرق اکرین، سودان جنوبی و البته کردهای عراق اشاره کرد. طرح تجزیه سوریه مدتهاست که مطرح می شود ولی تاکنون هیچ اجماع نظر و اراده مستحکمی برای اجرایی شدن آن مشاهده نشده است. این طرح که به ایجاد یک جامعه سکولار چند نژادی همراه با استقرار ایالت های کرد، شیعه علوی، سنی، و دروزی می انجامد نقشه سوریه را دگرگون می کند. ایجاد یک حکومت کرد در شمال، حکومت دروزی ها در جنوب غربی، یک حکومت علوی در غرب سوریه و در سایر جاها یک حکومت سنی در این طرح گنجانده شده است. این طرح هیچگاه به صورت رسمی از سمت دولت های غربی و مقامات سیاسی بزرگ دنیا مطرح نشده است اما اندیشکده های غربی و برخی رسانه های وابسته به آنها این طرح را بیان کردند و البته کردها همواره از این طرح استقبال کرده و درصدد ایجاد یک اراده مستحکم جهت اجرایی شدن طرح سوریه فدرال بوده اند. کردهای سوری اگر حق انتخاب داشته باشند قطعاً به دنبال استقلال هستند و مدعی حکومتی خود مختار در سوریه خواهند بود. پس از آغاز جنگ داخلی سوریه رابطه کردهای سوریه با اسد وارد مرحله جدیدی شد. با آغاز بحران داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱م کردها که دل خوشی از سیاستهای دولت اسد نداشتند در جایگاه مخالف دولت حاضر شدند و حتی علیه دولت در تظاهرات شرکت کردند. اما رفته رفته که اقدامات اسلامگرایان تندرو علیه رژیم حالت خشونت آمیز و مسلحانه گرفت، کردها با این مسئله مخالفت کردند و تنها راه حل کاربردی را گفت و گو دانستند. البته این موضوع باعث نشد که آنها همچنان از مخالفان اسد نبوده و مخالفت های مدنی خود را ابراز نکرده باشند. بشار اسد پس از شروع نا آرامی ها دو راه را در پیش رو داشت. راه اول کناره گیری

و راه دوم اجرای اقدامات اصلاحی در ساختار سیاسی سوریه که البته او راه دوم را برگزید. البته واکنش بشار اسد به تهدید کردها هوشمندانه بود و توانست در اصلاحات خود جایگاه کردها را ارتقاء بخشد. او که می دانست سالها ظلم و ستم بر علیه کردهای کشورش روا داشته است چند اقدام اساسی را مدنظر قرار داد. نخست در اصلاحات خود حق شهروندی را برای مردم کرد محترم شمرد و فقط در یک مرحله به ۱۵۰۰۰۰ نفر از کردهای کشورش حقوق شهروندی اعطاء کرد. در کنار این مسئله، سپردن مسئولیت های مختلف به کردها و استفاده از ظرفیت خود آنها برای مدیریت مناطق کرد نشین اقدام دیگر بشار اسد بود. اسد همچنین به صورت تدریجی نیروهای خود را در مناطق کردنشین کاهش داد و آنها را به مناطق درگیر جنگ داخلی فرستاد. اسد با این اقدام خود توانست از هرگونه اصطکاک و تنش بین نیروهای خود با کردها جلوگیری نماید.

در واقع، طرف های مخالف کانتون سه گانه در مناطق کردنشین سوریه، اعتقاد راسخی دارند که این پروژه با بر هم زدن اوضاع، بیش از همه به نظام حاکم در این کشور خدمت می رساند و در سطح راهبردی نیز راه را برای اقدامات تجزیه طلبانه فراهم می کند، به ویژه اگر مسئله کردها در سایر بخش های کردستان با تحولات چشمگیری از قبیل آنچه در عراق روی داد و در سوریه در حال روی دادن است، روبرو شود، علاوه بر آن، بیشتر گروه های مخالف نظام حاکم در سوریه بنا به دلایل ایدئولوژیک ملی گرایانه عربی و یا دینی و یا حتی بنا به دلایل سیاسی مرتبط با اوضاع درگیری ها در این کشور، با شکل گیری کانتون سه گانه مخالف هستند.

در همین راستا باید گفت که برخی از احزاب کرد سوریه با مواد پروژه اداره خودمختار در مناطق کردنشین سوریه و انحصاری کردن آن از سوی "حزب اتحادیه دموکراتیک کردستان" مخالف هستند و علاوه بر آن، اقلیم کردستان عراق نیز که تقریباً مرجعیت کردی و مرکز ثقل ژئوپلیتیک کردستان به شمار می آید، در طرف مخالف این پروژه قرار گرفته است، بنابراین اگر "PYD" نتواند از طریق "شورای

عالی کرد"، تنش میان خود و سایر احزاب کرد سوریه و اقلیم کردستان عراق را از بین ببرد، استقلال کامل کانتون سه گانه مسیر دشواری خواهد داشت.

یکی دیگر از مهم ترین موضوعات مرتبط با آینده مناطق کردنشین سوریه این است که اگر رژیم بشار اسد بر مشکلات کنونی خود فارغ بیاید و به حیات سیاسی خود ادامه دهد، آیا حاضر است باز هم به کردها اجازه دهد که موقعیت کنونی خود را حفظ کنند؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که حتی اگر رژیم بشار اسد پایدار بماند و بر همه مشکلات سیاسی، امنیتی خود غالب شود، باز هم وضعیت کردها به دوران پیش از سال ۲۰۱۰ م باز نمی گردد و موقعیت آنان در سوریه با تغییرات مثبت جدی مواجه می شود.

به نظر می رسد که کردهای سوریه مدت ها است وارد یک بازی تمام پیچیده سیاسی و معادله ژئوپلیتیکی شده اند و مشکلات زیادی را برای ایجاد خود مختاری در مقابل خود می بینند. آنها فرصت های زیادی را برای امتیاز گیری در مقابل دارند. اما در مقابل، تهدیدهای زیادی هم آنها را نشانه گرفته است. به نظر نمی رسد که با وضعیت موجود آنها در درازمدت به خواسته اصلی خود برسند. آنچه که همه به آن اذعان دارند این مسئله است که تجزیه سوریه خطری بزرگ است و این خطر بر تمام منطقه تأثیر گسترده ای می گذارد و تنها محدود به مرزهای سوریه نخواهد بود. این اتفاق ابتدا بر ترکیه ای تأثیر می گذارد که برای سقوط اسد تلاش بسیار زیادی کرده است و از متحدان آمریکا به شمار می آید. اما بدون در نظر گرفتن این مسئله که کدام طرف پیروز شود، باید گفت که شرایط کنونی در سوریه برای کردها روز به روز پیچیده تر می شود و آنها به موانع بیشتری برای کسب استقلال روبه رو می شوند و از این رو می توان گفت که تشکیل اقلیم کردی در شمال سوریه حداقل در کوتاه مدت بعید به نظر می رسد. با توجه به روند تحولات در سوریه و نگاهی که کشورهای منطقه به سوریه دارند، به نظر می رسد خودمختاری کردهای سوریه یک موضوع بسیار مهم در بستر وقایع اخیر است. شرایط کنونی نیز به نفع این ایده پیش می رود.

البته باتوجه به شرایط و مقتضیات کنونی کشور سوریه و دیدگاه بین المللی و موانع منطقه ای و فرامنطقه ای به نظر نمی رسد که کردهای سوریه خواستار استقلال از سوریه و تشکیل یک کشور مستقل باشند و بیشتر ترجیح می دهند در قالب یک کشور به صورت فدرال زندگی کرده و امور داخلی خود را در دست داشته باشند. این در حالی است که ترکیه که بیشترین تعداد کردهای منطقه را دارد از این ایده به هیچ وجه خشنود نیست و نگرانی آنرا دارد که هرگونه خودمختاری در بین کردهای سوریه وضعیت را در بین کردهای ترکیه بهم بزند و آنها را نیز به سمت خودمختاری سوق دهد. مسیر آینده سوریه، چه با اسد چه بی اسد، در مسیری پیش می رود که اگر در میان مدت منجر به ایجاد پدیده اقلیم کردی سوریه هم نشود، دست کم این ضمانت را با خود به همراه دارد که وضعیت کردهای سوریه هیچ گاه به ایستگاه های سالیان قبل باز نخواهد گشت و یقیناً می توان گفت حتی اگر رژیم بشار اسد پایدار بماند و بر همه مشکلات سیاسی، امنیتی خود غالب شود، قطعاً وضعیت کردها به دوران پیش از سال ۲۰۱۰م بازمی گردد و موقعیت آنان در سوریه با تغییرات مثبتی روبرو خواهد شد.

منابع:

الف- فارسی

- ارگیل، د. ۱۳۹۴. تبدیل کردها به مسئله ای برای ترکیه"، ترجمه خبرگزاری کردپرس.
 خاکی، آ. ۱۳۹۳. گذار خاورمیانه به دموکراسی در هزاره سوم، انتشارات نوید صبح، تهران، ۶۶-۵۵.
 خاکی، ش. ۱۳۹۲. اهمیت مناطق کردنشین سوریه برای داعش، هفته نامه روزان، شماره ۲۵، سنندج.
 خاکی، ش. ۱۳۹۴. تحولات جدید عراق و مسیر پیش رو، ماهنامه اجتماعی فرهنگی چرو، سنندج.
 ص ۸-۹.
 خاکی، ش، جوانمردی، ع. ۱۳۹۳. تاثیر تاکتیک های براندازی آمریکا بر تحولات سوریه، انتشارات نوید صبح تهران، ص ۸۶-۹۲. (کتاب)
 دستمالی، م. ۱۳۹۲. کردهای سوریه در سالی که گذشت " کردپرس

دهقانی فیروزآبادی، ج. ۱۳۸۸. «منابع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۳، ۱۵-۱۸.

رحیمی، س. ۱۳۹۳. کردها در بهار جدید، هفته نامه روزان، سندج. ص ۴-۶
 شیخ عطار، ع. ۱۳۸۲. کردها و قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای. مجتمع تشخیص مصلحت نظام. مرکز تحقیقات استراتژیک. تهران. ص ۱۰۲.

لی نور، ج. ۱۳۸۳. چهره جدید امنیت در خاورمیانه. ترجمه قدیر نصری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. ص ۹۳.

محمودیان، آ. ۱۳۹۲. فراز و فرودهای کردهای سوریه، خبرگزاری کردپرس.
 مصطفی، ن. ۱۳۹۸۹. تاریخ سیاسی کردستان. ترجمه: اسماعیل بختیاری. ژین. سلیمانیه. ص ۲۸۹-۳۰۴

هانی زاده، ح. ۱۳۹۳. کردهای سوریه به دنبال استقلال کامل هستند، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا).

هوشمند، ا. ۱۳۹۳. اعلام تاسیس کانتون های کردی در کردستان سوریه و چالش های پیش رو " نگاه روز. قابل دسترسی در <http://bornanews.com/Pages/News>
 هوشمند، ا. ۱۳۹۳. کانتون های کردی در کردستان سوریه، خبرگزاری برنا. (وب سایت) وهاب پور، پ. ۱۳۹۳. بهار اعراب یا بهار کردها؟ مرکز بین المللی مطالعات صلح

ب- انگلیسی

Gunter, B. 2007, Advances in e-democracy: engaging citizens and electorates online. Special issue of Aslib Proceedings: New Information Perspectives, Bradford, UK: Emerald Publishing Group, Guest Editor. (Journal)

Heywood, A. 2011. Global Politics. Basingstoke: Palgrave Macmillan

Hoof, Hanneke van. 1998. Left Dislocation and Split Topicalization in Brabant Dutch. In Materials on Left Dislocation, eds. Elena Anagnostopoulou, Henk C. van. (Journal) Political coalitions and the fate of the Kurds in Syria .2014. Rudaw television channel. {In Kurdish}.(Web site)"Solutions in Syria" (2013),

accessible in: www.kurdistanonline.net {In Kurdish}.(Web site)

The new face of the Middle East" 2013, accessible in: www.pukmedia/index. {In Kurdish}.(Web site)

٢٥٥

سیاست جهانی

فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۴

